

سوره انبیاء (۲۱)

مکی و شامل یکصد و دوازده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

رسیدگی به حساب مردم نزدیک شده ولی آن‌ها در غفلت و از آن روگردان می‌باشند. (۱)
هیچ تذکر تازه‌ای از جانب خدایشان برای آن‌ها نمی‌آید مگر این‌که آن را می‌شنوند و به بازی می‌گیرند. (۲)

دل‌هایشان سرگرم است. افراد ظالم آهسته در گوش هم می‌گویند: آیا این غیر از بشری مثل شماست؟ آیا در صورتی که می‌بینید دچار سحر می‌شوید؟ (۳)

پیغمبر گفت: خدای من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است. او شنوا و دانا است. (۴)
یا این‌که گفتند: خواب‌های آشفته پریشان است، شاید آن‌ها را خودش سر هم کرده یا شاعر است.
باید معجزه‌ای همان‌طور که پیغمبران گذشته داشتند برای ما بیاورد. (۵)

قبل از آن‌ها شهرهایی را که ایمان نیاوردند نابود کردیم. آیا آن‌ها ایمان می‌آورند؟ (۶)
ما قبل از تو پیغمبرانی فرستادیم که به آن‌ها وحی می‌کردیم. اگر نمی‌دانید از کسانی که از کتاب‌های پیغمبران گذشته اطلاع دارند بپرسید. (۷)

پیغمبران را افرادی که غذا نخوردند نساختیم و عمر جاویدان نداشتند. (۸)
و وعده‌ای که به آن‌ها دادیم عملی کردیم و آن‌ها و هر کس را که می‌خواستیم نجات دادیم و زیاده‌روی‌کنندگان را هلاک کردیم. (۹)

برای شما کتابی نازل کردیم که در آن صحبت شماست، آیا عقلتان را به کار نمی‌برید؟ (۱۰)
شهرهای زیادی را که ظالم بودند نابود کردیم، و بعد از آن‌ها قوم دیگری را بوجود آوردیم. (۱۱)
چون عذاب ما را احساس کردند، از آن فرار می‌کردند. (۱۲)
فرار نکنید و پیش نعمت‌هایی که به شما داده بودیم و به خانه‌هایتان برگردید تا از شما بازخواست شود. (۱۳)

گفتند: وای بر ما، ما ظالم بودیم. (۱۴)

همیشه حرف آن‌ها این بود، تا وقتی که آن‌ها را از بیخ درو کردیم و خاموش شدند. (۱۵)
آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازی خلق نکردیم. (۱۶)
اگر سرگرمی می‌خواستیم و اگر تصمیم این‌کار را می‌گرفتیم، خودمان آن را انتخاب می‌کردیم. (۱۷)

بلکه حق را روی باطل می‌اندازیم تا آن را از بین ببرد. باطل از بین رفتنی است، ولی وای بر شما به خاطر این حرف‌هایی که می‌زنید. (۱۸)
تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند مال خدا می‌باشند، و کسانی که پیش او هستند تکبری در عبادت او ندارند و خسته هم نمی‌شوند. (۱۹)

شب و روز تسبیح خدا را به جا می‌آورند و در این کار سستی نمی‌کنند. (۲۰)
آیا معبودهایی از زمین برای خودشان گرفتند که مرده‌ها را زنده می‌کنند؟ (۲۱)
اگر خداهایی غیر از خدا وجود داشت، حتماً آسمان و زمین خراب می‌شد. خدای صاحب عرش

از این حرف‌هایی که می‌زنند پاك است. (۲۲)

درباره کارهایی که می‌کند مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد، در صورتی که آن‌ها مورد بازخواست قرار می‌گیرند. (۲۳)

آیا معبودهایی غیر از خدا برای خود گرفتند؟ بگو: دلالتان را بیاورید، این است حرف کسانی که با من هستند و افرادی که قبل از من بودند. ولی بیشتر آن‌ها حقیقت را نمی‌شناسند و از آن رو برمی‌گردانند. (۲۴)

قبل از تو پیغمبری نفرستادیم مگر این‌که به او وحی کردیم که معبودی غیر از من وجود ندارد، پس فقط مرا بندگی کن (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای هیچ‌کس جز خدا نباشید). (۲۵)

گفتند: خداوند رحمان فرزندی گرفته است. خدا والاتر و از این‌کار برکنار است. آن‌ها بندگان گرامی خدا هستند. (۲۶)

قبل از این‌که خدا چیزی بگوید، آن‌ها چیزی نمی‌گویند و مطابق دستور خدا عمل می‌کنند. (۲۷)
خدا آنچه رو بروی آن‌ها و آنچه پشت سرشان است را می‌داند و فقط برای کسانی که خدا بپسندد شفاعت می‌کند و از ترس خدا هراسانند. (۲۸)

هر کدام از آن‌ها که بگوید: من به جای خدا معبود هستم (از مردم بخواهد که مطیع محض او باشند و بدون چون و چرا از دستورهای او پیروی کنند)، جهنم را جزای او می‌سازیم. ما افرادی را که ظلم می‌کنند این‌طور مجازات می‌کنیم. (۲۹)

آیا افراد بی‌ایمان نمی‌دانند که آسمان‌ها و زمین به هم چسبیده بود و ما آن‌ها را از هم جدا کردیم؟ و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم؟ آیا باز هم ایمان نمی‌آورند؟ (۳۰)
و در زمین کوه‌ها را قرار دادیم که از لرزش آن جلوگیری کند، و راه‌های پهنی در آن قرار دادیم تا راه خود را بشناسند. (۳۱)

و آسمان را سقف محفوظی ساختیم، ولی آن‌ها از آیات ما رو برمی‌گردانند. (۳۲)
اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر يك در مدار حرکت می‌کند. (۳۳)
برای هیچ انسانی قبل از تو عمر جاوید قرار ندادیم، اگر تو بمیری آیا آن‌ها عمر جاوید دارند؟! (۳۴)

هر کس مزه مرگ را می‌چشد و ما شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها امتحان می‌کنیم و پیش ما برگردانده می‌شوید. (۳۵)

وقتی افراد بی‌ایمان تو را ببینند، مسخره‌ات می‌کنند و می‌گویند: آیا این همان کسی است که از خدایان شما بدگویی می‌کند؟ در صورتی که خود آن‌ها منکر یاد خدای رحمان هستند. (۳۶)
انسان موجودی عجله‌کننده آفریده شده. نشانه‌های ما را به شما نشان خواهیم داد، بنابراین عجله نکنید. (۳۷)

می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده چه وقتی خواهد بود؟ (۳۸)
اگر افراد بی‌ایمان از وقتی که نمی‌توانند جلوی آتش جهنم را از صورت و پشتشان بگیرند و کسی هم به آن‌ها کمک نخواهد کرد، اطلاع داشتند، (چنین حرفی نمی‌زدند). (۳۹)
عذاب ناگهانی سراغ آن‌ها می‌آید و آن‌ها را مبهوت می‌کند و توانایی رد کردن آن را ندارند و مهلتی هم به آن‌ها داده نمی‌شود. (۴۰)

پیغمبران قبل از تو را هم مسخره کردند و همان عذابی که مورد تمسخر آنان قرار می‌گرفت، آن‌ها را در بر گرفت. (۴۱)

بگو: چه کسی شما را شب و روز از عذاب خداوند رحمان حفظ می‌کند؟ با وجود این، آن‌ها از ذکر خداوندشان روگردان هستند. (۴۲)

آیا آن‌ها غیر از ما خدایانی دارند که آن‌ها را از عذاب ما حفظ کنند؟ آن‌ها نمی‌توانند به خودشان هم کمک کنند و از طرف ما هم به آن‌ها کمکی نمی‌شود. (۴۳)

ما آن‌ها و پدرانشان را از نعمت‌های خودمان بهره‌مند ساختیم تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند. آیا نمی‌بینند که ما سراغ زمین می‌آییم و از اطراف آن کم می‌کنیم؟ آیا آن‌ها بر ما غلبه دارند؟ (۴۴)

بگو: من شما را به وسیله وحی از عاقبت کارتان می‌ترسانم. اما وقتی به کرها هشدار داده می‌شود، صدا را نمی‌شنوند. (۴۵)

اگر مقدار کمی از عذاب خدای تو به آن‌ها برسد، می‌گویند: ای وای ما ظالم بودیم. (۴۶)
ما روز قیامت ترازوهای عدالت را می‌گذاریم و به کسی نرهای ظلم نمی‌شود، و اگر عملی به اندازه دانه خردلی باشد آن را به حساب می‌آوریم. ما برای رسیدگی به حساب‌ها کافی هستیم. (۴۷)

به موسی و هارون فرقان (یعنی جداکننده حق و باطل) داده‌ایم که روشنایی و تذکری برای افراد پرهیزکار است. (۴۸)

پرهیزکارانی که قلباً از خدایشان می‌ترسند و از روز قیامت بیم دارند. (۴۹)

و این قرآن تذکر پربرکتی است که ما آن را نازل کرده‌ایم. آیا شما منکر آن هستید؟ (۵۰)

و ابراهیم را قبلاً راهنمایی کرده بودیم و او را می‌شناختیم. (۵۱)

وقتی به پدر و قومش گفت: این مجسمه‌هایی که عبادت می‌کنید چیست؟ (۵۲)

گفتند: ما دیدیم که پدرانمان آن‌ها را عبادت می‌کردند. (۵۳)

ابراهیم گفت: هم خودتان و هم پدرانتان به طور آشکاری گمراه بوده‌اید. (۵۴)

گفتند: آیا حقیقت را برای ما آورده‌ای یا شوخی می‌کنی؟ (۵۵)

ابراهیم گفت: صاحب‌اختیار شما خدای آسمان‌ها و زمین است که آن‌ها را آفریده و من این را شهادت می‌دهم. (۵۶)

به خدا قسم بعد از این‌که از پیش بت‌هایتان رفتید نقشه‌ای برای آن‌ها دارم. (۵۷)

بت‌ها را، غیر از بت بزرگ، تکه‌تکه کرد تا پیش او برگردند. (۵۸)

گفتند: چه کسی این‌کار را با خدایان ما کرده؟ او واقعاً ظالم است. (۵۹)

گفتند: شنیده‌ایم که جوانی درباره آن‌ها حرف می‌زد، به او ابراهیم می‌گویند. (۶۰)

گفتند: او را جلوی چشم مردم بیاورید تا شهادت بدهند. (۶۱)

گفتند: ای ابراهیم، آیا تو با خدایان ما چنین کاری کرده‌ای؟ (۶۲)

ابراهیم گفت: این‌کار را بت بزرگ انجام داده. اگر حرف می‌زنند از آن‌ها بپرسید. (۶۳)

به خود آمدند و به هم گفتند: شما ظالم هستید. (۶۴)

بعد سرشان را پایین انداختند، (و گفتند) تو می‌دانی که بت‌ها حرف نمی‌زنند. (۶۵)

ابراهیم گفت: آیا غیر از خدا چیزی را عبادت می‌کنید که نه نفعی برای شما دارد و نه ضرری؟ (۶۶)

از شما و هر چه غیر از خدا می‌پرستید بیزارم. آیا عقل ندارید؟ (۶۷)
گفتند: اگر مرد عمل هستید، خدایان خود را یاری کنید و ابراهیم را بسوزانید. (۶۸)
گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش. (۶۹)
برای او نقشه‌ای داشتند. ما آن‌ها را زیانکار ساختیم. (۷۰)
و ابراهیم و لوط را نجات دادیم و به سرزمینی که در آن برای افراد بشر پربرکت ساخته‌ایم
بردیم. (۷۱)

و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم عطا کردیم و همه را افراد صالحی ساختیم. (۷۲)
و آن‌ها را پیشوایانی ساختیم که به دستور ما مردم را راهنمایی می‌کردند و به آن‌ها انجام‌دادن
کارهای خوب و خواندن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و ما را بندگی می‌کردند. (۷۳)
و لوط را یادآوری کن که به او حکمت و علم دادیم و او را از شهری که مردمش کارهای زشت
می‌کردند نجات دادیم. اهالی شهرش مردم بدکاری بودند که از خدا اطاعت نمی‌کردند. (۷۴)
او را وارد رحمت خود کردیم، چون از افراد درستکار بود. (۷۵)
و آن وقتی را یادآوری کن که نوح ما را صدا زد و ما دعایش را اجابت کردیم و او و خانواده‌اش
را از غصه‌ای بزرگ نجات دادیم. (۷۶)
و او را در مقابل مردمی که منکر آیات ما بودند یاری کردیم. قوم او مردم بدی بودند. ما همه
آن‌ها را غرق کردیم. (۷۷)

آن وقتی را یادآوری کن که داود و سلیمان درباره مزرعه‌ای که گوسفندان عده‌ای شبانه در آن
چریده بودند حکم می‌کردند. و ما شاهد حکم آن‌ها بودیم. (۷۸)
و آن را به سلیمان فهماندیم و به هر يك از آن‌ها حکمت و علم دادیم، و کوه‌ها و پرندگان را رام
داود کردیم که با او تسبیح می‌گفتند. ما این کارها را کردیم. (۷۹)
و به او یاد دادیم که برای شما زره بسازد تا شما را از آسیب جنگ حفظ کند. آیا شکرگزاری
می‌کنید؟ (۸۰)

و باد تند را در اختیار سلیمان قرار دادیم که به فرمان او، به طرف زمینی که ما به آن برکت داده
بودیم، حرکت می‌کرد. ما همه چیز را می‌دانستیم. (۸۱)
و عده‌ای از شیاطین برای او غواصی می‌کردند و کارهایی غیر از آن انجام می‌دادند و ما مراقب
آن‌ها بودیم. (۸۲)

ایوب را یاد کن وقتی خدایش را به کمك خواند که من بیمار شده‌ام و تو رحم‌کننده‌تر از تمام
رحم‌کننده‌ها هستی. (۸۳)

ما دعای او را اجابت و بیماری او را رفع کردیم و خانواده‌اش را به او دادیم و از روی رحمت
خودمان، مثل آن را به اضافه آن‌ها به او دادیم. این برای عبادت‌کنندگان عبرتی است. (۸۴)
و اسماعیل و ادريس و ذوالکفل را یادآوری کن. همه آن‌ها از افراد صبور بودند. (۸۵)
ما آن‌ها را مشمول رحمت خود کردیم. آن‌ها افراد درستکاری بودند. (۸۶)
و یونس را یاد کن وقتی که با عصبانیت می‌رفت و فکر می‌کرد که ما هرگز بر او سخت
نمی‌گیریم، و در تاریکی صدا زد که معبودی غیر از تو وجود ندارد. خدایا، تو والا و پاکی. من
ستمکار بودم. (۸۷)

ما دعای او را اجابت کردیم و او را از غم نجات دادیم. ما افراد باایمان را این‌طور نجات

می‌دهیم. (۸۸)

و زکریا را یاد کن وقتی که خدایش را صدا زد و گفت: خدایا، مرا تنها نگذار. در صورتی که تو بهترین وارث هستی. (۸۹)

دعای او را اجابت کردیم و یحیی را به او عطا کردیم و وضع زن نازایش را برای او اصلاح کردیم. آن‌ها در کار خیر عجله می‌کردند و با میل و ترس ما را می‌خواندند و در مقابل ما متواضع بودند. (۹۰)

و مریم را یاد کن که ناموس خود را حفظ کرد و ما از روح خود در او دمیدیم و او و پسرش را برای افراد بشر نشانه‌ای (عبرتی) قرار دادیم. (۹۱)

این امت شما است، يك امت و من خدای شما هستم، بنابراین فقط مرا بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای هیچ‌کس جز خدا نباشید). (۹۲)

ولی مردم دینشان را بین خودشان قطعه‌قطعه کردند (بین آن‌ها تفرقه ایجاد شد). همه آن‌ها پیش ما برمی‌گردند. (۹۳)

هر کس کار درست بکند و مؤمن باشد از کار او قدردانی می‌شود و ما آن را برای او می‌نویسیم. (۹۴)

و ممکن نیست مردم شهری را که نابود کردیم دوباره برگردند. (۹۵)

تا وقتی که سد یاجوج و ماجوج باز شود و از هر ارتفاعی به سرعت حرکت کنند. (۹۶)
و عده حق نزدیک شد و چشم کسانی که ایمان نداشتند خیره گشت و گفتند: وای بر ما، از چنین روزی غافل بودیم. ما ظالم بودیم. (۹۷)

به آن‌ها گفته می‌شود که شما و هر چه غیر از خدا عبادت می‌کردید سوخت جهنم هستید و وارد جهنم می‌شوید. (۹۸)

اگر این‌ها خدا بودند وارد جهنم نمی‌شدند، همه آن‌ها تا ابد در جهنم خواهند بود. (۹۹)

آن‌ها در جهنم فریاد می‌کشند و جوابی در آن نمی‌شنوند. (۱۰۰)

کسانی که قبلاً به آن‌ها نیکی کرده بودیم (ایمان آورده بودند) از عذاب جهنم دور هستند. (۱۰۱)
آن‌ها کوچک‌ترین صدایی از آتش دوزخ نمی‌شنوند و همیشه در میان آنچه میل دارند هستند. (۱۰۲)
ترس بزرگ روز قیامت آن‌ها را غصه‌دار نمی‌کند، و فرشتگان از آن‌ها استقبال می‌کنند و به آن‌ها می‌گویند: این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود. (۱۰۳)

روزی که آسمان را مثل طوماری در هم می‌پیچیم. همان‌طور که جهان را اولین بار خلق کردیم، آن را برمی‌گردانیم. این وعده‌ای است که اجرای آن به عهده ما است. ما این‌کار را می‌کنیم. (۱۰۴)

بعد از تورات در زبور نوشتیم که زمین به دست بندگان صالح من می‌رسد. (۱۰۵)

در این مطلب گوشزدی به افرادی که مرا عبادت می‌کنند وجود دارد. (۱۰۶)

ما تو را فقط به‌خاطر رحمت به افراد بشر فرستادیم. (۱۰۷)

بگو: به من وحی می‌شود که معبود شما (کسی که شما در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و بنده و مطیع محض دستورهای او باشید) معبود واحدی است. آیا تسلیم او می‌شوید؟ (۱۰۸)

اگر قبول نکردند، بگو: من به شما به‌طور مساوی اعلام کردم و نمی‌دانم وعده‌ای که به شما داده شده نزدیک است یا دور. (۱۰۹)

خدا حرف‌هایی را که به طور آشکار می‌زنید و حرف‌هایی را که مخفی می‌کنید می‌داند. (۱۱۰)
من نمی‌دانم شاید آن امتحانی برای شما و وسیله بهره‌بردن شما تا مدتی باشد. (۱۱۱)
پیغمبر گفت: خدایا، به حق حکم کن. صاحب‌اختیار ما بخشنده‌ای است که در مورد چیزهای
ناروایی که می‌گویید از او کمک خواسته می‌شود. (۱۱۲)